

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

در هر جلسه حدود نیم ساعتی، راجع به خانواده در قرآن صحبت کردیم. در این جلسه بحث این است که در خانواده اگر شد با زن آزاد، «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» (نساء/۲۵) اگر شد با زن آزاد. اگر نشد گناه جایز نیست. کنیز! یعنی یک قدم پایین‌تر بیا. شد با آن دختری که می‌خواهی، نشد، یک درجه پایین‌تر. گناه جایز نیست، نمی‌شود گفت: چون من در این رشته هستم آن مورد هم که من می‌خواهم نشد، پس خودم را آزاد کنم. این به درد همه می‌خورد. بعضی‌ها در خانواده و تشکیل خانواده چنان چشم دوختند به یک مورد خاص، در این شهر، با این ماشین، با این مهریه، با این خانه، با این شرایط، با این مدرک تحصیلی، به قول تلویزیونی‌ها زوم می‌کنند، یعنی خیز می‌کنند روی یک مورد خاص. بعد می‌گویند: حالا که نشد، حالا که نشد پس گناه کنیم. قرآن می‌گوید: اگر آنکه تو می‌خواهی شد، شد. اگر نشد، یک قدم پایین‌تر بیا.

یک آقایی بود هر جا می‌رفت عقد بخواند، کله قند می‌گرفت. نوکرش گفت: کله قند را از ما نگیر. گفت: تو ندهی، او هم نمی‌دهد. او هم نمی‌دهد. یکی می‌گوید: فقیرم، یکی می‌گوید: همسایه‌ام، یکی می‌گوید: سید هستم. یکی می‌گوید: پیرمرد هستم. گفت: آخر رویت می‌شود تو این کله قند را... گفت: ببین، آن ته قند را درست کنی، باقی‌اش را تو خالی که قالب، قالب... به هر حال عقد که خواند، هر جا رفت بگیرد، دید فرو می‌رود. چون تو خالی بود. گفت: آقا، آن آخر، زیرش را بگیر. گناه ممنوع است، موردی که شما می‌خواهی نشد، یک درجه پایین‌تر بیا. مثل اینکه بگوییم: چون پلوی ما خورشت ندارد، پس عرق می‌خوریم. برنج بی‌خورشت بخور. نان خالی بخور.

۱- ایمان، ملاک اولیه و اساسی ازدواج

حالا اگر پول نداری، می‌فرماید: «فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ» (نساء/۲۵) یک نکته‌ی لطیف، می‌گوید: «الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ»، «فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ» یعنی چه دختر حُرّ باشد، چه کنیز باشد، آنچه مهم است باید ایمان داشته باشد. از همه چیز، از لهجه، از مدرک، از پول، از شکل، از همه چیزی اسلام می‌گوید: یک قدم پایین‌تر بیا. اما از ایمان... خواستگار که برای دختر ما می‌آید، اصل برای ما ایمان است. داماد متدین که اطلاعاتش پایین باشد، خیلی ارزشش بیش از دامادی است که خیلی سطح معلوماتش بالاست، اما دین ندارد. «الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ»، «فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ». حالا بد نیست یک نکته بگوییم، این کنیز و برده از کجا پیدا شد. من هم از بس حرف می‌زنم، نمی‌دانم اینها را کجا گفته‌ام. اخیراً هم یکجایی گفتم. یا در تلویزیون یا بیرون. خوب گوش بدهید. هر جا ایستادم شما بگویید.

در تاریخ بشر، هم جنگ بوده، هم جنگ هست، هم جنگ خواهد بود. در جنگ هم یکی غالب، یکی مغلوب، مغلوب‌ها را هم سر ببریم، درست نیست. آزاد کنیم درست نیست. اردوگاه درست نیست. بهترین راهش این است که اینها را به عنوان اسیر و کنیز پخش کنیم. به تدریج آزاد شوند. این را گفتند. متن قرآن است اگر آن موردی که تو خواستی نشد، حق گناه نداری. یک

قدم پایین تر بیا. تازه می‌گوید: «**أَنْ تَصْبِرُوا**» (نساء/۲۵) اگر می‌توانید خودتان را نگه دارید، «**وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ**» صبر کنید بهتر است.

این کنیز را مفت می‌شود به خانه آورد؟ نه! این کنیزها باید ۱- با رضایت ولی‌اش باشد. ۲- باید مزدشان را داد. مزدشان را هم باید به خودشان داد. «**وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ**» (نساء/۲۵) مهریه‌اش را باید به خودش بدهی. یعنی آنها هم شخصیت دارند. کنیز است، ولی شخصیت دارد. باید...

چقدر مهریه بدهیم؟ می‌گوید: «مَعْرُوفٌ»، یعنی عرفی. الآن اگر کسی دخترش را با یک پسری عقد کند با یک سکه و دو سکه، این معروف نیست. عرف، باید مراعات کرد که آن پدر دختر هم می‌خواهد جهازیه تهیه کند. معروف باید باشد. حقوق چوپان ماهی چقدر است؟ بین ۳۰۰ و ۶۰۰ ما می‌گوییم، ۴۰۰، ۴۵۰. پس ماهی ۴۰۰ تومان. ۴۰۰ تومان سالی چند میلیون می‌شود. تقریباً سالی پنج میلیون. هشت تا پنج میلیون چقدر می‌شود؟ شعیب گفت: دخترم را به تو می‌دهم به شرط اینکه هشت سال چوپانی کنی. یعنی الآن اگر پیغمبری، به پیغمبری دخترش را بدهد، می‌گوید: هشت سال چوپانی؟ یعنی چهل میلیون. تازه گفت: اگر می‌خواهی دو سال اضافه کن. یعنی ده میلیون رویش بگذار. مهم این نیست که چهار میلیون، ده میلیون، ده سکه، صد تا سکه، مهم این است که به داماد فشار نیاید. یک وقت یک کسی می‌تواند پانصد سکه بدهد. یک وقت یک کسی تا آخر عمرش ۵۰ سکه هم نمی‌تواند بدهد. مهم دختر فروشی نیست. توان داماد و خانواده‌ی داماد است. معروف!

کنیز از نظر اجتماعی یک محرومیت‌هایی دارد. چون محرومیت دارد، اگر خلاف هم کرد، نصف. مثلاً اگر یک آدم آزادی، زن آزادی خلاف کرد، مثلاً با فلان مقدار تنبیه شود، کنیز نصف است. قرآن می‌فرماید: «**فَعَلِيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ**» (نساء/۲۵) اگر بناست زنی خلافکار بود، کنیز هم خلافکار بود، چون کنیز شأنش پایین‌تر است، کیفرش هم بگویند: نصف است.

این قرآن بود، ۱- تشکیل خانواده مقدس است. ۲- ازدواج کردن یک رکعت نماز را هفتاد برابر می‌کند. ۳- کار در خانه جهاد است. ۴- کار مرد برای خانمش «**كَالْجِهَادِ**» است. «**الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ**» (کافی/ج ۵/ص ۸۸) مرد برای خانم کار بکند، «**كَالْمُجَاهِدِ**». زن برای شوهرش کار بکند، خود جهاد است. «**جِهَادُ الْمَرْأَةِ**» (کافی/ج ۵/ص ۹)

۲- آفات آزاد جنسی در غرب

حالا آزادی جنسی یعنی چه؟ این بی‌بند و باری‌هایی که نمونه‌اش در ایران هم به تقلید از ماهواره‌ها، به تقلید از شرق و غرب، این آزادی جنسی چیه؟ مشکلات آزادی جنسی چیه؟ قرآن می‌فرماید: این آزادی‌ها را دشمنان برای شما طراحی می‌کنند. «**وَأَيُّ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا**» (نساء/۲۷) از هفت روز پیش تا الآن چند مورد مراجعه داشتیم، آدم‌های تحصیل کرده، تحصیلات بالا، زندگی‌شان به هم خورده به خاطر دیدن ماهواره. به خاطر دیدن یک مسائل. صحنه‌هایی نشان زن‌ها و مردها داده می‌شود که آن صحنه‌ها را که می‌بینند، دیگر زندگی خودشان برایشان قانع کننده نیست. به ما گفتند: با تجار نشینید. برای اینکه وقتی با مردم عادی زندگی می‌کنید، از زندگی‌ات راضی هستی. ولی وقتی خانه‌ی اشراف رفتی، زندگی او را دیدی، می‌گویی: خدایا، اگر زندگی این است، پس ما را خیلی کم گذاشتی. با بغض خدا از خانه بیرون می‌روی. بعضی از فیلم‌ها زندگی‌ها را با دیدن یک صحنه از هم می‌پاشاند. زبانم بسته است که چه صحنه‌هایی را دیدند و به من گفتند و به خاطر همان صحنه زندگی‌شان، سفت هم بگویند، طلاق، به خاطر اینکه اگر زندگی آن است پس ما چه؟

آزادی جنسی، جسم را ذوب می‌کند. فکر را مشغول می‌کند. مال را تباه می‌کند. اطمینان را سلب می‌کند. فرزند نامشروع به وجود می‌آید. تازه فرزند حرامزاده هر روز کلی تولید گناه می‌کند. می‌گویند: یک روز شیطان با یک حرامزاده گفتند: از صبح برویم گناه تولید کنیم و شب بیاییم گزارش بدهیم. شیطان از یک سمت رفت و حرامزاده از یک سمت رفت. تلاششان را کردند. غروب آمدند گزارش بدهند، حرامزاده گفت: من امروز مثلاً ۴۳ تا دروغ تولید کردم. ۱۸ تا غیبت، چند تا به هم فحش دادند. چند تا کلاهبرداری کردند. چند تا کم فروشی کردند، چند تا رشوه گرفتند. مثلاً ۲۷۴ قلم تولید داشتیم. این تولیدات حرامزاده بود. به شیطان گفت: تو چه کردی؟ گفت: من فقط یک زنا به وجود آوردم. یک رابطه‌ی نامشروع! گفت: به! من ۲۷۴ تا، تو یکی! گفت: ببین من یک حرامزاده درست کنم مثل تو، او خودش ۲۷۴ تا تولید می‌کند. این گناه کلیدی...

چه امراض مقاربتی، اصلاً بزرگترین اسارت است. چون نفس مثل جهنم است. هرچه بدهی باز می‌گوید: «هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (ق/۳۰) آخر بعضی‌ها می‌گویند: رویتان را تنگ نگیرید. هرچه تنگ بگیرید، «الانسان حریص علی ما منع» آدم می‌خواهد ببیند کیه؟ یک خرده آزاد بگذارد. اینطور نیست که می‌گویند. هرچه آزادتر باشد، مفاسدش بیشتر است و اصلاً میل به تشکیل خانواده را از بین می‌برد. کلمات زشتی را بعضی از جوان‌ها می‌گویند.

به جوان می‌گویند: ازدواج کن، می‌گوید: آدم به خاطر نیم کیلو شیر، گاوداری نباید باز کند. ببینید نگاهش به زن، گاو است. نگاهش به شهوت شیر است. اصلاً فکر نسل و تولید و تعلیم و تربیت و تقوا و اصلاً اینها از فکرش بیرون رفته است. لذت جنسی هم لحظه‌ای است. مثل خاراندن، دستی که می‌خارد در یک لحظه‌ای که می‌خارانی حال می‌آید. بعد از دو دقیقه نه اینجا چیزی است، نه اینجا.

در اسلام غیر از تشکیل خانواده، راههای دیگر هرچه باشد، چه خود ارضایی، چه زنا و چه... حرام است. «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ قَاوَلِيكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون/۷) یک راه بیشتر ندارد و آن ازدواج است. حالا ازدواج دائم یا موقت. یک شب راجع به ازدواج موقت من صحبت خواهم کرد.

۳- انحراف جنسی، هم ردیف شرک و قتل

گناه انحراف جنسی و زنا، اول اینکه قرآن زنا را کنار قتل و شرک گذاشته است. خیلی مهم است. کنار قتل و سرقت، وقتی آمدند نزد پیغمبر بیعت کنند، فرمود: به شرطی که چند تا کار نکنند. ۱- دزد نباشند. ۲- قاتل نباشند. ۳- زناکار نباشند. گناه زنا کنار گناه سرقت و دزد است. آخر گاهی وقت‌ها می‌گویند: مگر من از دیوار خانه‌ی کسی بالا رفتم؟ بله، رابطه‌ای که با دختر و پسر داری، اگر این رابطه به زنا کشیده شود، گناهش مثل کشتن می‌ماند. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا» (ممتحنه/۱۲) «وَلَا يَسْرِقْنَ» سرقت نکنند. «وَلَا يَزْنِينَ» زنا نکنند. یعنی شرک، قتل، زنا، جایگاه انحراف جنسی کنار شرک است. آنوقت خود این سرچشمه‌ی یک سری گناهان می‌شود. زنا در همه‌ی ادیان حرام بوده است. انحراف جنسی برای اسلام نیست. مسیحی‌ها هم دین ندارند، خوب دین ندارند. ولی ارمنی مسیحی و یهودی و انحراف جنسی در همه‌ی ادیان ممنوع بوده است. چون قرآن می‌گوید: «إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» (نساء/۲۲)، «كَانَ» یعنی از قدیم بوده است. فکر نکنید این انحرافات جنسی را اسلام حرام کرده است. «كَانَ» در طول تاریخ حرام بوده است. «مَقْتٌ» یعنی قهر خدا دنبالش است. «سَاءَ سَبِيلًا» یعنی بد جایی می‌رویم، بد عاقبت هم می‌شویم. چه گفتیم؟ ۱- زنا در همه‌ی ادیان حرام است. ۲- آدم را بد عاقبت می‌کند. ۳- قهر خدا را به دنبال دارد.

عرض کنم به حضور شما که در رابطه‌ی غیر ازدواج، من این کلمه زنا را دیگر زیاد نگویم. در خانه‌ی امام رضا نشستیم، کلمه‌ی زنا را به کار نبرم. می‌گویم: انحراف، از این به بعد می‌گویم انحراف. این انحراف اگر شد، اول انس و الفت در آن نیست. رابطه برقرار می‌کنند، از هم لذت می‌برند، تمام شد و رفت. محبت در آن نیست. انس و محبت در آن نیست. ولی قرآن بخوانم.

۴- مودت و رحمت، رابطه میان همسران

قرآن می‌گوید: رابطه‌ی عروس و داماد «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم/۲۱) هم مودت است، هم رحمت است. یک لطفه برایتان بگویم.

منزل بزرگواری مهمان بودیم، آخرین پسرش داماد می‌شد. آن آقا خیلی بزرگوار است. همه مریدش هستند. پدر عروس آمد گفت: بلند شو صحبت کن. من دیدم تمام سران کشور جمع هستند. بلند شدم گفتم: سه تا رابطه در قرآن است. خوب گوش بدهید این یادگاری است. سه رابطه در قرآن است. رابطه‌ی پیغمبر با مردم، رحمت است. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) پیغمبر، «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ» تو را نفرستادیم، «إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» نقش تو رحمت است. آن هم برای «لِّلْعَالَمِينَ»، تو «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» هستی. رابطه‌ی پیغمبر با ما رحمت است. رابطه‌ی مردم با پیغمبر مودت است. چون پیغمبر فرمود: مزد رسالت من «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳) رابطه‌ی پیغمبر با مردم، رحمت است. رابطه‌ی مردم با پیغمبر، مودت اهل بیت است، مودت امام رضا، امام حسین، امام زمان و همه‌ی امامان. پیغمبر با مردم رحمت، مردم با پیغمبر مودت. رابطه‌ی زن و شوهر چه؟ هم رحمت، هم مودت. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» آیا زناکاران مودت دارند، رحمت دارند؟ مثل آدمی که می‌رود آلاسکا بخرد. پول می‌دهد یک آلاسکا می‌خورد، می‌مکد و زمین می‌اندازد. در این مودت و رحمتی نیست.

۵- نفی ارزش‌های خانواده در انحرافات جنسی

۲- تربیت نسل در آن نیست. ۳- ارث درونش نیست. شخصیت و هویت در آن نیست. «يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ» (بحار الانوار/ج ۷۶/ص ۲۱) قرآن می‌گوید: آدمی که منحرف است آدم بی‌ارزشی است. انس نیست، الفت نیست، صله رحم نیست. تربیت نسل نیست. ارث نیست، شخصیت نیست. اینها نیست. اما چه چیزی هست؟ سقط جنین هست. مرگ زودرس هست. «يُعَجِّلُ الْفَنَاءَ» (کافی/ج ۵/ص ۵۴۱) انحراف جنسی مرگ زودرس می‌آورد.

اولادی که از آن کار درست می‌شود، گرایش به گناه دارد. «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدِهِمْ» (اسراء/۶۴) شیطان در انحراف جنسی شریک است. در اولادها شریک است. البته این را به شما بگویم، معنایش این نیست که اگر آدم حرامزاده است، گناه دست خودش نباشد. حرامزاده هم می‌تواند جلوی خودش را بگیرد. منتهی سخت است. اگر یک حرامزاده به صورت شما سیلی زد، شکایت نمی‌کنی؟ یک سیلی می‌زند و می‌گوید: ببخشید من حرامزاده هستم. می‌گویم: بیا! پشش می‌زنیم. اینطور نیست که اولاد حرامزاده نتواند خوب باشد. می‌تواند خوب باشد.

حالا چه باید کرد؟ راههای پیشگیری. بلد هستید، بنده هم به عنوان معلم قرآن دنبال می‌کنم. ۱- توصیه کنیم، من جلساتی این ایام دارم برای اساتید دانشگاه، به همه‌شان گفتم: سر کلاس بگویید، دخترها زود عروس شوند. پسرها زود داماد شوند. توصیه به ازدواج، اگر کسی نامزد دارد، سربازی‌اش کم شود. اصلاً منطقه‌ی پست دامادهایی که همسر، نامزد دارند، صد کیلومتری

عروس باشد. یعنی اگر یک کسی نامزد دارد، آن طرف دنیا نفرستیم. همان دور و بر عروس تاب بخورد. یعنی محل خدمتش نزدیک عروس باشد. تحصیلات است. در وام دادن، در بنایی، در واگذاری زمین، در هرچه... هی تسهیلات، آسانش کنیم. کم کردن مهریه، بنده این را چند بار از دفترها پرسیدم. چه کار به دفترها داریم. تو آخوند هستی از اسلام بگو. حدیث داریم مهر سنگین کلید تفرقه است. مهرهای سنگین کلید تفرقه است. کلید جدایی است. نباید سنگین باشد.

جداسازی، دختر و پسر از هم جدا باشند. در دانشگاه، در اداره، یک طبقه خانم‌ها کار کنند، یک طبقه مردها، در هر اتاقی یک خانم. رفته وارد یک اتاقی شدم، در اتاق را که باز کردم دیدم یک خانم بسیار زیبا، جوان، گفتم: آقای مدیر کل هستند، گفت: بله! بفرمایید. من رفته به آقای مدیر کل گفتم: ایشان محرم است؟ گفت: نه. گفتم: آخر تو در را بسته‌ای با یک آدم زیبا در یک اتاق؟ گفت: حاج آقا از ما این حرف‌ها گذشته! گفتم: پس معلوم می‌شود مسلمان‌تر از حضرت علی هستی؟ حضرت علی فرمود: من به زن‌های جوان سلام نمی‌کنم. نگران هستم دل علی را بلرزاند. تو صبح تا شب در این اتاق دلت نمی‌لرزد؟ یا دروغ می‌گویی، یا نمی‌فهمی، یا می‌خواهی مرا... این حرف‌ها چیه؟ جداسازی، معنای جداسازی این نیست که در جامعه... در مجلس ما زن هست. بسیاری از، ولی حالا لازم است زن و مرد کنار هم باشند؟ تنگ هم باشند؟

۶- دوری از جلوه‌گری در روابط اجتماعی

جداسازی، زینت ممنوع برای غیر شوهر! نگاه ممنوع! فکر خلاف نکنیم. چون گاهی آدم نشسته و تنهایی در فکر می‌رود. فوری بلند شو بدو.

خدا شهید عزیز امیر بابایی را رحمت کند، خلبان درجه یک ما. در آمریکا درس خلبانی می‌خواند. گفتند: نصف شب بلند شده و می‌دود. به او گفتند: چرا می‌دوی؟ کاری به کسی داری؟ تحت تعقیب هستی؟ گفت: نه! می‌نشینم شیطان در ذهنم می‌آید، می‌دوم که از فکرم بیرون برود. چون فکر بد مثل دود است. در را باز نکنی، دود اتاق را سیاه می‌کند. باید در را باز کرد، دود بیرون برود. فکر خلاف!

تماشای عکس‌ها، عکس‌های تحریک کننده، مجازات کسی که خلاف می‌کند. اسلام می‌گوید: هم زن را صد تا شلاق می‌زنیم، هم مرد را. بد هم می‌گوید: رحم هم به شما نکنیم. «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» (نور/۲) رحم هم نکنیم.

۷- تلاش در جهت ازدواج جوانان

یک جوانی را نزد امیرالمؤمنین بردند. گفتند: ایشان یک کار زشتی می‌کرد. حالا نمی‌توانم بگویم چه کاری می‌کرد. یک کار زشتی می‌کرد. حضرت امیر یک سیلی در گوشش زد. بعد هم گفت: این پول را بگیر و برو داماد شو. یعنی هم تنبیه، هم بودجه برو ازدواج کن. داماد کردن خیلی ثواب دارد. به شرطی که جایی نگویم. یک خاطره بگویم.

این را از یکی از علما شنیدم. حالا باز هی می‌ترسم بگویم که بود و شهرش چه بود، لو برود. کسی بود خیلی از آن خیرهای تقریباً نفر اول خیر بود. در آن زمان آب انبار، مسجد، حسینیه، درمانگاه، زایشگاه، دبیرستان، راهنمایی، دبستان، خیلی کار خیر کرد. منتهی همه را هم می‌نوشت. با کاشی‌کاری می‌نوشت که مثلاً بانی اینجا مثلاً آقای فلان است. ایشان از دنیا رفت، آن عالم به من می‌گفت. می‌گفت: خوابش را دیدم. گفتم: خوب تو که خیر بودی. گفت: هیچکدام قبول نشد. گفتم: چرا؟ گفت: چون می‌خواستی اسمت را بنویسی. بانی... ما وارد یک دنیای دیگر شدیم. گفتند: چه کردی؟ گفتم: من تمام اموالم را در راه اسلام دادم. گفتند: چون اصرار داشتی اسمت باشد، اینها هیچ کدام ثبت نشده است. ... کل کارهای من پوچ! گفتند: بله! ماندم. عمری

جان‌کندم، تمام اموالم را دادم، دست من خالی! گفتم: هیچی؟ گفت: چرا یک روز جوانی به شما رسید گفت: حاج آقا شما که خیلی کار خیر کردی، بیا مرا هم داماد کن. من اگر ده هزار تومان داشته باشم، البته ده هزار تومان مثلاً چهل سال پیش. من اگر ده هزار تومان داشته باشم، داماد می‌شوم. گفت: من از کجا بفهمم تو راست می‌گویی؟ قسم خورد که والله اگر ده هزار تومان داشته باشم، داماد می‌شوم. یک نگاهی کردی و کیفیت را باز کردی و کنار خیابان ده هزار تومان به او دادی. یادت رفت بنویسی! چون این را یادت رفت بنویسی، ما نوشتیم. آنجایی که خودت می‌خواستی بنویسی، پاک کردیم. خدا خیلی انحصار طلب است. اولین انحصار طلب خداست. می‌گوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «لَا إِلَهَ» یعنی هیچ چیز قبول نمی‌کنم.

بگذارید یک مسأله بگویم. اگر برای خدا نماز را می‌خوانید، اما مکانش برای غیر خدا باشد نماز باطل است. مثلاً بگویم: صف اول برویم که دوربین ما را نشان بدهد. نماز برای خداست، اما آن جایی که می‌ایستی برای غیر خداست و نماز باطل است. اگر نماز برای خداست، زمانش برای غیر خدا باشد. مثلاً بگویی: اول وقت نماز می‌خوانم. باز هم نماز، اگر یکی از واجبات نماز فقط یک «بِسْمِ اللَّهِ» آن را برای غیر خدا گفتی، کل نماز باطل است. اگر یک مستحبی را، مثلاً عبا روی دوش گرفتی. انگشتر، کلهات را کج کردی. یک قیافه‌ای گرفتی که این قیافه مصنوعی بود باز هم نماز باطل است. زمان غیر خدا، باطل. مکان غیر خدا، باطل. یک عضوی از واجبات برای غیر خدا، باطل. یک عضوی از مستحبات برای غیر خدا، باطل. زست و قیافه برای غیر خدا، باطل. صد در صد! اگر اصرار کنیم اسم ما را بنویسند، خدا اسم ما را پاک می‌کند. بیاید یک کاری کنیم کسی نفهمد.

در اجرای حد هم تحت تأثیر قرار نگیریم. خوب این مسأله‌ی مسائلی که امشب گفتیم. یکبار دیگر تکرار می‌کنم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

اگر امکان دارد، زن آزاد. اگر زن آزاد، یعنی اگر امکان دارد آن زنی که تو می‌خواهی، تحصیلات، فامیل، لهجه، پدر، مادر، ثروت، اگر آنکه می‌خواهی «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، اگر نشد حق گناه نداری. «فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» این حرف اول.

۲- حتی کنیز ارزش دارد، باید مهریه و اجرت به او داد. به خودش هم باید داد. «آتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ»

۳- مهریه باید معروف باشد.

۴- زن‌های کنیز چون از نظر موقعیت اجتماعی کمرنگ هستند، خلاف کنند شلاقشان نصف است.

۵- آزادی جنسی عوارضی دارد. جسم ذوب می‌شود. فکر مشغول می‌شود، اموال تباه می‌شود. اطمینان سلب می‌شود. فرزند حرامزاده به جامعه تحویل داده می‌شود. امراض مقاربتی و انسان اسیر شهوتش می‌شود و از فکر تشکیل خانواده هم منصرف می‌شود.

آیا کافی نیست ما بفهمیم ماهواره‌ها ما را دوست ندارند؟ سؤال: چرا فرمول هواپیمای اف ۱۶ را برای شما نمی‌فرستند؟ چرا فرمول تحقیقاتشان را برای جوان‌های شما نمی‌فرستند؟ عکس سکس هرچه می‌خواهی برایت می‌فرستند. یک جوان کافی نیست بفهمد که آنها برای ما نقشه دارند. که مواد علمی‌شان ممنوع، مواد هرزه‌شان هرچه می‌خواهی مجانی! ما را دوست ندارند. یک عمری شاه نوکر آمریکا بود. وقت فرار یک اتاق اجاره‌ای به شاه نداد. یک عمری صدام و مبارک نوکر آمریکا بود. وقت روز بلا یک اتاق به صدام و یک اتاق به مبارک ندادند. آنهایی که نوکر صد در صد بودند. آنوقت شما از ماهواره چه

می‌خواهی؟ از اروپا و آمریکا چه می‌خواهی؟ چرا در خانه‌ات می‌آوری؟ چرا بچه‌هایت را آلوده می‌کنی؟ چرا بچه‌ات را و نسلت را با هرزبایات آشنا می‌کنی؟

بعد از این مطالب وارد این مسأله شدیم که انحرافات جنسی که زنا هست اسمش در کنار قتل و سرقت و شرک است. فرق بین ازدواج و زنا خیلی است. در ازدواج محبت و الفت است. در زنا نیست. در ازدواج صله‌ی رحم است. در آن کارها نیست. تربیت نسل است، در آن انحرافها نیست. در آن برنامه‌ها ارث نیست، هویت و شخصیت نیست. اما سقط جنین هست. مرگ زودرس هست. تولید مفاسد هست. راههای جلوگیری همان راههایی است که در رساله مراجع تقلید نوشتند. نگاه نکن، جوان گفت: آقا نمی‌توانم نگاه نکنم. به او گفتم: اگر پنج هزار تومان خودت را جریمه کنی، دو تا پنج هزار تومانی بدهی، مثل برق تو را می‌گیرد دیگر نگاه نمی‌کنی. مفت می‌خواهی نگاه نکنی، می‌گوید: نه نگاه کن!

یک مقداری باید توصیه کرد. یک مقداری باید پولدارهای فامیل جمع شوند. رئیس‌های هیأت خیلی نقش دارند. آن رئیس هیأتی که پنج هزار نفر را در خیابان می‌کشد و همه را هم روز عاشورا غذا می‌دهد، معلوم می‌شود آدم با عرضه‌ای است که برای امام حسین این رقم شاخ و شانه کشید. جمعیت را در خیابان کشید و همه را هم نهار داد. خوب این رئیس هیأت می‌تواند ده نفر از این جوان‌هایی را هم که زیر علامات هستند، داماد کند. پیرمردها نقش دارند. پیرمردهای پولدار خیلی نقش دارند. به شکرانه‌ی اینکه شما بچه‌هایت عروس شدند، پسرهایت داماد شدند، بیا این دو جوان را هم عروس کن، داماد کن. آن پیرمرد خیر تمام زحماتش نابود شد، ولی آن جوانی که گفت: ده هزار تومان بده داماد شوم، کنار خیابان ده هزار تومان داد، آن برای قیامتش ماند. راه خدا این است. راه خدا... قرآن می‌گوید: «تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ» (عنکبوت/ ۲۹) یعنی ازدواج راه خداست. وقتی ازدواج راه خداست، شما در این راه خدا، پولدارها، فامیل‌ها کمک کنیم. ازدواج را آسان کنیم ۵۰ درصد خلاف کم می‌شود.

خدایا یاد ما بده وظیفه‌ی ما چیه، توفیق بده عمل کنیم. یاد ما بده وظیفه‌ی ما چه نیست، تقوا بده دوری کنیم. آنچه تقصیر و قصور تا به حال از ما سر زده است، ببخش و بیامرز. مشکلات امت اسلامی، مشکلات بحرین و سوریه، همه‌ی کشورهای اسلامی، عراق، افغانستان، خدا همه‌ی مشکلات امت‌های اسلامی را برطرف بفرما. شر آمریکا و اسرائیل و شر هر صاحب شری را به خودشان برگردان. قلب امام زمان را از الآن تا ابد از ما راضی بفرما.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»